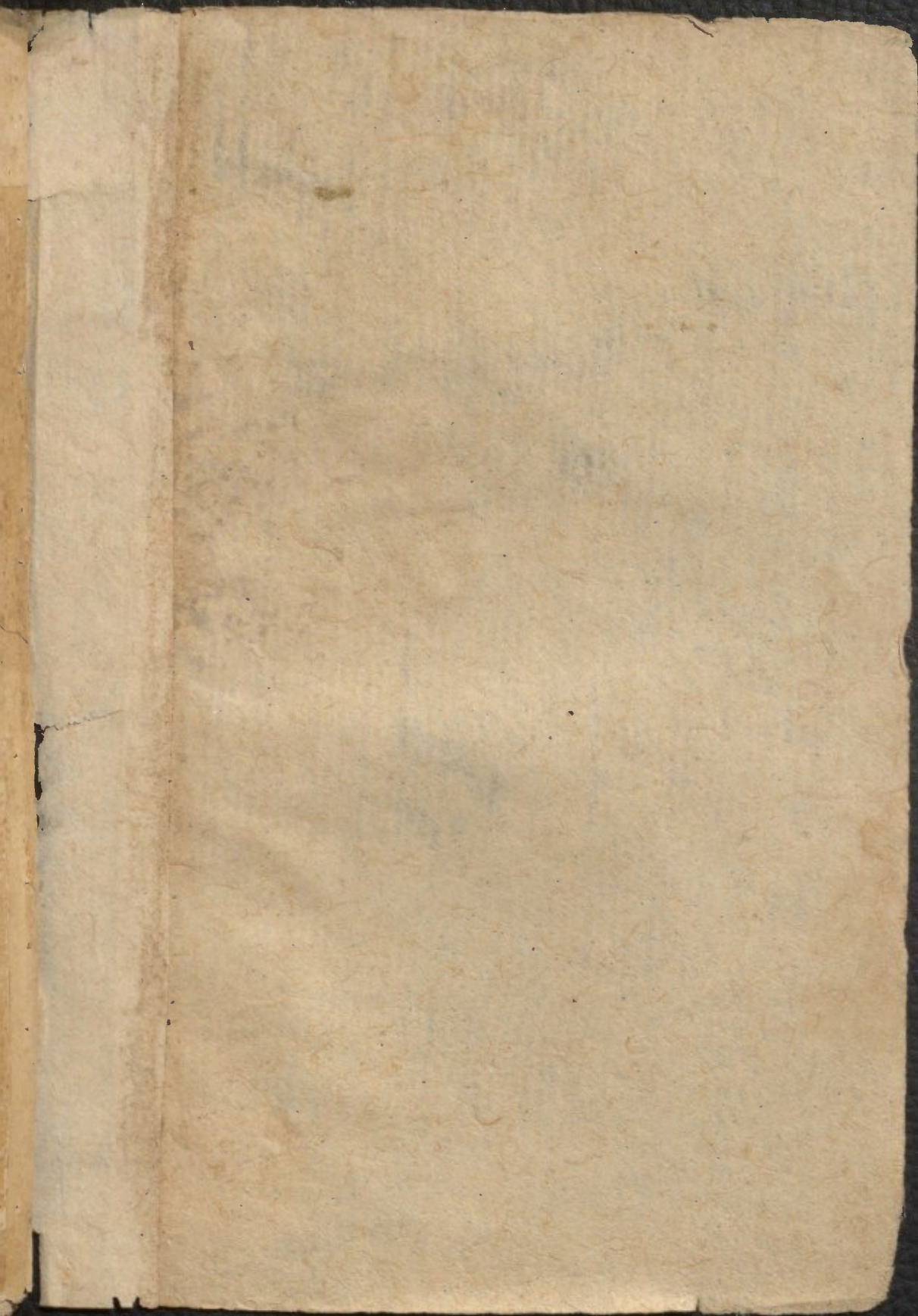


Various
fragments

A31/11

no 59



شَهَدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَدَّتُمْ

کواهی دهم بر تنهامان و بفرموده شما اند

الْحَيَاةِ النَّبَاِ وَشَهِدْنَا عَلَىٰ

زندگانی اینجهان و کواهی داند بر

أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

تنها بخود که ایشان بودند ناکر و بدکاران

ذَلِكَ أَنْ لَكُم مِّنْ رَبِّكَ

انست که نه باشد خداوند

مَهْلِكُ الْقَرْبِ بِظُلْمٍ

هدال کننده در سگی یا بستم

وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ذَلِكُمْ

واهل آنرا غفلان و سره رویی را

رَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا

با یکا بهما بود از اینج کردند و نیست

رَبِّكَ بِخَافٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

خداوند تو خافد از اینج میکنید

وَرَبِّكَ الْغَنِيِّ ذُوا الرِّمَّةِ

و خداوند تو نی نیازست با بخشایش

إِن يَشَاءُ يُهْزِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ

اگر خواهد ببرد شما و بپای کند

مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ لَكُمْ

از پس شما آنچه خواهد چنانکه

أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ قَوْمًا

خواهد شما را از فرزندانم و گروه

أَخْرَجَتْ إِيَّاهُمْ مِنْ عَدْوَاتٍ

دیگران هرینه بی وعده کرده شوید

لَا تَلَايَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

آمد نیست و نیستند شما از دست کنندگان

قَلِيلًا قَوْمًا عَمِلُوا عَلَيَّ

بگو ای گروه ^{بر} یکنیند

مَكَانَتَكُمْ إِنِّي عَامِلٌ

جایگاه خود ^{که من} بگرد کار می کنم

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مِنْ

زود باشد که ^{بدانید} هر کجا

تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الْأَلْسِنِ

باشد ^{سراورا} سرانجام ^{آنگهان} سرا

إِنَّهُ لَا يُفِيحُ الظَّالِمُونَ

که او را ^{نهدد} شتمکاران را

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

و بگرد ^{خلای}

مِمَّا زَلَّ مِنَ الْحَرِثِ

از آنچه بیافرید از ^{کشت}

وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا

و چهار بایان بحوی بس گفتند

هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا

این مراد ایشانست بگفتارشان و اینست

لشركائنا فَمَا كَات

مراد از آن تا بس بود

لشركائهم فَلَا يَصِلُ إِلَى

مراد از ایشانست تا بس نرسد سوچه

اللَّهِ وَمَا كَات لِلَّهِ

خدا بیست و نه بود مراد ایشانست

فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شَرْكَائِهِمْ

بس اوست برسد سوچه ایشان شان

سَاءَ مَا نَحْكُمُونَ وَكُلَّكَ

بایست آنچه حکم کند و همچنین

زَيْتٍ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

بیار است مویسباری از انبازارندگان

قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ

کشتن فرزندانشان انبازان سائل

لِيُرَدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِم

تا هلاک کنندشان و بپوشانند برایشان

دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا

درین ایشان و اگر خواهد خدای تعالی

فَعَلَوْهُ قَدْ فَعَّمُوا وَمَا يَفْتَرُونَ

بکردند انرا دروغ را و آنچه دروغ ساختند

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَتَّىٰ

وگفتند اینست چهاربایان و گشتی است

حَتَّىٰ لَا يَطْعَمَهَا الْأَمْنُ

بازداشته نه خوردند انرا مگر انکه

نَشَاءُ بِرَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ

خواهد برعوی نشان و چهار پایان

حَرِّمَتْ ظُهُورَهُمَا وَأَنْعَامٌ

حرام کردند بشتها، شانرا و چهار پایان

لَا يَنْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ

باد نکند نام خدای

عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ

بران دروغ بود زود باداش شائرا

بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بدانچه بودند دروغ می ساختند

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ

و گفتند آنچه در شکمها این

الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا

چهار پایان یگان مردم را

درم

وَمَحَرَّمٌ عَلَيْهِ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّاتٍ

وحدام کرده بر زنان شمارا واکر

يَكُنْ مَمْنُونَةً فِيهَا

باشند مرده بر ایشان درد

شُرَكَاءُ يَتَّبِعُهُمْ فِيهَا

انبازانند زود باداشر شمارا وصد کردند شمارا

أِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ قَدْ

که اوست حکیم تر دانا بدرنگ

خَسِدَ الْبَيْتِ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ

زبان کردند آنانکه یکشتند فرزندان

سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا

بی خردی بی دانشی وحدام کردند

مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ آفِتَاءً

انج روزی شمارا خدای دروغ

عَلَيْ اللَّهِ ط قَدْ ضَلُّوا وَمَا

بر خدای درستی کمراه شدند وانج

كَانُوا مُهْتَدِينَ وَهُوَ

بودند راه یافتگان واوست

الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ

که بیا فرید بوشتا نما

مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ

حریده وجز

مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلِ وَاللِّدَعِ

درختان میوه دار وخرای بیان ناهموار

مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونِ

کونا خوردن او وزیتون

وَالرَّمَامِ مُتَشَابِهًا

وانار مانند یکدیگر

و غیر



وَعَبِيرٌ مِّثْلَهُ كَلُوا

وجز مانند یکدیگر بخورید

مِنْ ثَمَرَةٍ إِذَا أَثْمَرَ

از میوه چون میوه

وَأَنْتُمْ حَقَّةٌ يَوْمَ حَصَادِهِ

و بدهد حق وی روز در وی

وَلَا تَسْرَبُوا أَنَّهُ لَا يُحِبُّ

و ندهد اندر مردارید که اوست دوست ندارد

الْمُسْرِفِينَ وَمِنَ الْأَنْعَامِ

از حد لذت بردگان و از چهارپایان

حَمُولَةٍ وَفَرَشَاتٍ كُلُوا مِمَّا

بار بردگان باز بردگان بخورید از اینج

رِزْقِكُمْ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا

روزی داد کار خدای و بسوی مکنید

خَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ اِنَّهُ

بديها ديو که اوست

لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ثَمَانِيَةَ

مرشمارا دشمن بیدا هشت

از وَاِحٍ مِّنَ الضَّارِّ اثْنَيْ

از کوسندگان دو

وَمِنَ الْمُحْزَنَيْنِ

واز دو

قَدَّ الذَّكْرَيْنِ حَرَمَ

کبو که دوشن حرام کرد

أَمَّا الْأَثْنَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ

یا دو ماد اکامی کرد اندر گرفت

عَلَيْهِ أَرْحَامَ الْأَثْنَيْنِ

بود زهدا بر

میسوی

بَيِّنُوْنِي بِعِلْمِ اَنْتُمْ

اگاهي دهند بدانند اگر هستند شما

صَادِقِيْنَ وَمِنَ الْاَبِلِ

راست گويان و از گناه

اَشْتَبِ وَهِيَ الْبَقْرَ اَشْتَبِ ط

دو و از شتر دو

قَالَ الزَّكْرِيَّ حَمَّ

بگو دوزخ حرام کرد

اَمْ الْاَنْثِيَّ ط اَمَّا اَشْتَمَلَتْ

يا دو ماده اگاهي كرد اند گرفت

عَلَيْهِ اَنْحَامُ الْاَنْثِيَّ ط اَمْ

برو زهدانها دو و يا

كُنْتُمْ شَهْلًا اِنْ وَّصِيَكُمْ

هستيد شما بجا چون اندر وصيها را

اللَّهُ بِهَذَا فَهَمَّ أَنْظَمَ

هدای بدین بسکیت ستمکارتر

هَمَّ أَنْفَتِي عَلَى اللَّهِ

از آنک بساخت بر خدای

كَانَا يُضِدُّ النَّاسَ

در رفع در همان

بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا

بی جز دانش که خدای نه

يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

راه نماید مکرره ستمکارانرا

قَلًا أَجْدُ فِيمَا أَوْحَى

بگو در آنچه وحی کرده بشد

إِلَى مَحْرَمًا عَلَى طَاعِمٍ

سوی حرام کرده بر خورد

ع

بطلد

أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا

تنهاشان وگم شد از ایشان آنچه بودند

يَتَّبِعُونَ إِنْ كُنْتُمْ لِلَّهِ

همه بافتند بدستی که خداوند شما فدای

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

الک بیافرید آسمانها

وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

وزمین در شش روز

ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ

پس ایستاد بر تخت

يَجْتَنِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ

می بخشد شب را بروز

حَيْثُ شَاءَ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

بشنافت خورشید و ماه

وَالنَّجْمِ ^{بدر} وَالنَّجْمِ ^{مستعد} خَرَاتٍ بِأَمْرِ ^ط

وشتارگان مسخر بفرمان او

أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ^ط تَبَارَكَ

لیست او را فرستد و فرمودن برکت است

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

خدای خداوند جهانیان

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا

بخواندش خداوند را بزاری کردن

وَّخَفِيَةً ^ط إِنَّهُ لَا يَجِبُ

و پنهان که او مست دوست ندارد

اَلْمَعْتَدِينَ ^ط وَلَا تَفْسِدُوا فِي

از حد گذرندگان و تباه کاری مکنید در

الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ^ط

زمین پس خوب گردانند آنرا

وَأَعُوذُ خَوْفًا وَطَمَعًا بِاتِّ

و بخوانید اورا بیم امید دار بدین

رَحْمَتِ اللَّهِ قَرِيبًا مِّنْ

رحمت خدای نزدیک از

الْحُسَيْنِ وَهُوَ الَّذِي

نیکوکاران و اوست انانگ

يَسِيلُ الرِّيحَ بِشِدَائِهِ

بفرستد بادها مژده دهند میان

يَاكِ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا

بیش رحمت خود تا چون

أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقًا لَا سُقْنَاهُ

ببرد باد ابری کمران برانمش

بِلَدِّ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ

سرای زمین مرده بس فرود فرستم بدان این

فَأَخْرَجْنَا بِهٖ مِنْ كُلِّ

بس بیرون آوردیم از هر

الثَّمَرَاتِ لَدَاكَ تَخْرِجُ

بیرون می آورد همچنین بیرون

الْمَوْتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

مردگان را تا مگر شما بترسید

وَالْبَلَدِ الطَّيِّبِ تَخْرِجُ نَبَاتَهُ

وزمین پاکیزه باشد گیاه وی

بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ

بفرومان خداوند و آنکه

لَا تَخْرِجُ إِلَّا نَكَلًا كَذَلِكَ

بیرون نمی برد مگر چیزی همچنین

نَصْرًا لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

بگردانیم آیتها را مگر و هارا سپاس دارند

ع

له

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ

بدینستی که فرودستاد نوح را کرده او

فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا لِلَّهِ

ای کرده بپرستید خدایا

مَا لَكُمْ مِنْ آلِهِ غَيْرُهُ

نیست مرشمارا از خدای جز او

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

که من می ترسم بر شما عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ قَالَ أَتْلَأَمِنَ

روز بزرگ گفت بزرگان از

قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُكَ فِي ضَلَالٍ

گروه وی که ما می بینیم ترا در گمراهی

مُبِينٍ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي

بیبلا گفت ای گروه من نیست

ضَالَّةٌ وَلَكِنِّي سَأَلْتُكَ

گمراهی کنده ای و لیکن من پیغامبر از

رَبِّ الْعَالَمِينَ أَيْبَغُكُمْ

خداوند جهانیان برسام شمار

رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ

پیغامها، خداوند خود و نصیحت میکنم

لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ

مرد شما را و بدانید از خداوند

مَا لَا تَعْلَمُونَ أَوْ عَجِبْتُمْ

آنچه میدانید شما، یا عجب شما را

أَنْ جَاءَكُمْ زَكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ

که بیاید شما را بنده از خداوند شما

عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ

بر مردی از شما تا بیم کند شما را

وَلَسْتُمْ

وَلْتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تَرْجَمُونَ ۝

فَكَذَّبُوهُ فَأَخْبَيْنَا لَهُ الَّذِينَ

مَعَهُ فِي الْفَلَكِ وَأَغْرَقْنَا

الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُورَاط

قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا

مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ غَيْرَ ط أَفَلَا
تَتَّقُونَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا
لَنُرِيدُكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا
لَنُظَنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ
وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ

هَمَّ كَذِبَ اللَّهِ ط قَالُوا

از ^{حذ} ^{خدای} ^{گفتند}

ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَيَّ

کم شدند ^{از ما} و گواهی دادند ^{بر}

أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

تنفردشان ^{که ایشان} بودند ^{ناگرویدگان}

قَالَ انْخَلُوا فِي أُمَّةٍ

گفت ^{اندر شوید} ^{در} ^{گروهها}

فَلَخَلَّتْ مِنْ قَبْلِكُمْ

بدترین ^{که} ^{بگذشت} ^{از} ^{بیشتر}

مَّتَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي

از ^{بریان} ^{وادیان}

النَّارِ كَمَا أَخَلَّتْ أُمَّةٌ

آتش ^{هرگاه} ^{اندر} ^{گروه}

لَعْنَتِ أَخْتِهَا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْهَا

لعنت کند بار خود را تا چون رسیدند

فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْتُكُمْ

در آن همه گفتند باز بسینان ایشان

لَا أُولِيَهُمْ رَبَّنَا هُوَ أَوْلَاَنَا

مربیشینان خداوند ایشانند دوجندان

فَأَتَتْهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِمَّا

بزه ایشانرا عذابی دوجندان از

النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ

آتش لعنت مرهوبی دوجنداست

وَلَكِنَّ لَا تَعْمُونَ وَقَالَتْ

ولیکن ندانند وگویند

أُولِيَهُمْ لِأَخْتِ بَعْضُهُمْ فَمَا كَانَا

بیشینان شان بسینان شان نه بود

کلمه

لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ

مخوار بر ما از جمع افزونیا

فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

بجسید عذاب بدایج بودید شما

تَكْسِبُونَ إِنَّ الَّذِينَ

کارکنندگان که انانک

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا

دروغ بایتهما و بزرگی کردند

عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ

از آن نه نشاندن مرایشانرا درها

السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

آسمان و نه اندر شوند در هشت

حَتَّىٰ يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ

تا بدشود اشتر در سوراخ

ع

الْحَيَاطِ ط وَكَذَلِكَ تَجْزِيهِ

سوزان و همچنین باداش

الْبَحْرِ مِثْلَ لَهْرٍ مِثْلَ

کنا هکارانرا و اینشانرا از

جَهَنَّمَ هَذَا وَمِنْ فَوْقِهِمْ

دو رخ کشیزش و از زیر ایشان

عَوَاشٍ ط وَكَذَلِكَ تَجْزِيهِ

بوشتها و همچنین باداش

الظَّالِمِينَ وَالَّذِينَ آمَنُوا

ستمکارانرا و آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا

و بگرداند نیکیها


تَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

و انداختن تنی مگر نوایی وی

اولی

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ^ط

ایشاندر یاران ہمیشہ

هَمَّ فِيهَا خَالِدُونَ 

ایشان دران جاویدان

وَنَزَعْنَا فِي صُدُورِهِمْ

وپیرون کسیم از در دلها، شان

مَنْزَعًا لِّتَجْرِي مِنْ

از کینہ ہی رود

تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا

زیر شان جوہما، وگفتند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا ^{بإلى}

شکر مر خدا برا آنکہ راہ نمود

لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنُفْتَدِيَ

بذین ونہ بوزیم ما بارہ یافتن

لَوْلَا أَن هَدَيْنَا اللَّهَ لَقَدْ

اگر نه که راه نمود ما را خدای بدستی که

جَاءَتْ رَسُولَنَا بِالْحَقِّ وَنُورِ

پیامد بیغصیر خداوند برآستی و او از دهند

أَنْ تَلَكُمُوهَا الْجَنَّةَ أَوْ تَمُوتُوا

که انگسان بهمشت و او از دهند

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَنَارِ

بدانج یوید شما بدانید و او از دهند

أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَصْحَابِ

پاران هست پاران

النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا

دورخ که بدستی که یافتیم ما لایح و علا کرد ما

رَبَّنَا حَقًّا هَلْ وَجَدْتُمْ مَا

خداوند راست پس چه شد الخ

وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا

وعد کرده شود خداوند ما راست گفتند

نَعْمَ فَإِنَّمَا تُمَوِّذُونَ بَيْنَهُمْ

آری پس آواز دهید آواز دهنده میان ایشان

أَن لَّعْنَتِ اللَّهِ عَلَيْ

که لعنت کنید خدای

الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصْرَفُونَ

ستمکاران آنانکه روی بگردانند

عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَتَّبِعُونَ

از راه خدای و همی کنند

عُوجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

در حجاب و ایشان بدانجهان

كَافِرُونَ وَيَتَّبِعُوا

ناگرویدگان و همی کنند

وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ

مردمان

ازان

و برتر

يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا

دهند

و

بینان نشان

هویکی

بشنا آمد

أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

درود بر شما

بهشت را که

باران

لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهَمَّ يَطْعَمُونَ

هم آمدند

وایشان

بهشت

نزدیک

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ

بینا بهایشان

باز گردانند

وجون

نَلَقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا

گفتند

دو رخ

با ایندگان

سوچی

بَنَّا لَا تَتَّعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ

گروه

مکرران ما را

خداوند ما

الطالب



الظالمين وناري

ستمکاران و اواز دهند

اصحاب الاعراف رجالا

یاران اعراف مردمانی را

يعرفونهم بسيماهم قالوا

یستاند شانرا و این روی شان گفتند

ما اغني عنكم جمعكم وما

سود نداشت از شما همرا و این

كنتم تستكبرون

بودید شما بزرگی کردید

اقولاً الذين اقسمتهم لا

ابشناند آنانکه سوگند خوردند

بيناهم الله بخمته اذ خلوا

که برساند شانرا خدایه بخایش در نیاید

الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا

بیست نیست ترس بر شما و نه

أَنْتُمْ تَخْتَفُونَ وَنَارِي

شما اندر خورید و آواز دهند

أَصْحَابِ النَّارِ أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

یاران آتش یاران گشت

أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنْ

که فرود برید بر ما از

الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

آب یا از آنچه روزی داد شما را خدایه

قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَا

گفتند که خدای حرام کرد شما را

عَلَى الْكَافِرِينَ الَّذِينَ

بر کافران (ناندا)

آنچه

اتَّخَذُوا مِنْهُمْ أَهْوَاءَ وَوَلَعِبَاءَ

بگرفتند دین خود را بافوس و بازی

وَعَدَّتْهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

و بفریفت شانرا زندگانی اینجهمان

فَالْيَوْمَ نَسِيتُمْ كَمَا نَسُوا

بس امروز فراموش کنیم شمارا چنانکه فراموش کردند

لِقَاءِ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا

رسیدن بروزشان این وانج بودند

بِآيَاتِنَا بِيْحَدِيثٍ وَقَدْ جِئْنَاكُمْ

بایاتهاما منکر شدند و بدستی بیاوردیم

بِكِتَابٍ فَصَّلْنَا عَلَيْهِ عَلِيمٌ

قران بدید کردیم انرا بر دانش

هَذَاكَ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

راه راست و رحمت مرگوهی را که بگورند

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ

نه چشم دارند مگر سرانجام وی

يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ

روز سرانجام گوید

الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلُ

انانک فراموش کردند از پیش

قَدْ جَاءَتْ رُسُلًا بِالْحَقِّ

بدرستی که آوردند پیغامبران خداوند با راستی

فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءٍ يَشْفَعُونَ

بس نیست ما از کواختر کنندگان تا شفاعت کند

لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَعْمَلٌ غَيْرُ الَّذِي

ما یا باز کرده اند یا بکنیم جز آنک

كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا

باشیم یا بکنیم بدرستی زبان کردند

انفسه

كُلِّ شَيْءٍ فَفَدَا تَقْدِيرًا وَاتَّخَذَا

هر چیزه برانداز کرد اندازه کردی و برگزید

مَنْ دُونَهُ إِلَهَةٌ لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا

از جز او خدایان یعنی نیافرینند چیزی را

وَهُمْ يَخْلُقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

وایشان آفریده شده اند و مالک نشوند

لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ

مرتخا خوردن زیانی و نه سودی و مالک نشوند

مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا وَقَالَ

مراک و نه زندگانی و نه قیامت را و گفتند

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا آفَكٌ

انانگ کافر شدند بنست این مکر دروغی

وَأَفْتِرَاءٍ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ

ساخته است او را و یاری کرد او را برو کوهی

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ

نه چشم دارند مگر سرانجام وی

يَوْمَ يَا أَيُّهَا تَأْوِيلَهُ يَقُولُ

روز سرانجام گوید

الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلُ

آنانکه فراموش کردند از پیش

قُلْ جَاءَتْ رُسُلُنَا بِالْحَقِّ

بدرستی که آوردند پیغامبران خداوند را بر راستی

فَهَلْ نَأْمَنُ شَفَعَاءَ قَوْمِهِمْ

بس نیست ما را از خواهش کنندگان تا شفاعت کند

لَنَا أَوْ نَدْعُ قَوْمًا غَيْرَ الذِّكْرِ

ما را یا باز گردانند یا بکنیم جز آنکه

كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا

باشیم یا بکنیم بدرستی زیان کردند

انفسهم

كُلِّ شَيْءٍ فَفَدَّاهُ تَقْدِيرًا وَالتَّخْدِيرًا

هر چیزه براندازه کرد اندازه کردی و بگرداند

مَنْ دُونَهُ الْهَمَّةُ لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا

از جزا و خدایان یعنی نیافرینند چیزی را

وَهُمْ يَخْلُقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

وایشان افریده سازند و مالک نشوند

لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ

مرتبه خود را زیانی و نه سودی و مالک نشوند

مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نَشُورًا وَقَالَ

مرگ و نازندگانی و نه قیامت را و گفتند

الذِّنِّتَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا آفَكٌ

آفک کافر شدند بنست این مکر دروغی

وَأَفْتَرِيَهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ

ساخته است او را و یاری کرد او را برو کوهی

أَخَذُوا فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

دیگرات بس بکستی بیامند بستی دروغی

وَقَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ أَكْتَبْتُمَا

وگفتند نبشتهها پیشینیان است که نبشتند

فِي تَمَلِّي عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

بس لنگ آمد که بی بدو بامداد و شبانگاه

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي

یکوای محمد فرودستار آنک میداند نهانی که در

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ

آسمانهاست و زمین که او هست

عَفْوًا رَحِيمًا وَقَالُوا مَا هَذَا

امر زنده بخشایند وگفتند چیست مدد این

الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي

پیغامبر را میخورد خورش و میرود

يَسْأَلُونَ مِنْكُمْ لَوْ آذَانُ الْفَلَيْحِ

برون می آیند از شما پناه جسته پس نفر

الذِّئْبِ تَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ

انانک مخالفت میکنند از فرمان او که

تَصِيبُهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يَصِيبُهُمْ عَذَابٌ

برسد ایشان اسویایی یا بد شدت عاقبتی

إِلَيْهِمْ إِلَّا آتَى اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

در نال بدانک مرخدا بر لاج در آسمانهاست

وَالْأَرْضِ ط قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ ط

وزمین بدستی بدانند لاج شما بروهستید

وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا

ولس روزگ باز گردانند ایشانرا هر چه بدست میآید

عَمَلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

گرداند و خدای همه چیز داناست

ع

سورة الفرقان ۲۵ و سبعون آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای مهربان بخشنده

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ

بزرگ است از خدای که فرو فرستاد قوت

عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ

بر بند خود تا باشد مرجه ایانرا

نَذِيرًا الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ

بیم کننده از خدای که مراد را بادشاهی آسمان

وَالْأَرْضِ ط وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَهُ

وزمین و نه گرفت فرزندی و

يَكُنْ لَهُ شَيْءٌ فِي امْتَلَاكٍ وَخَلَقَ

و نیاشد مراد را نیازی در بادشاهی و نیاشد

فَمَا يَكْمُرُ عَلَى الْبُخَارِ أَنْ آرَدَتْ

برستاران خود را بر ناپاکاری اگر خواهید

تَصْنَعًا لِيَتَّخِعُوا عَرْضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

تا بچویند متاع نزلگانی جهان

وَمَنْ يُكْرِهَنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ

وهر که دشوار کند ایشان را پس بدستی که گزاید از پس

اِكْرَاهٍ مِنْ عَقُوبٍ رَجِيمٍ وَقَدْ

دشوار داشتند ایشان امر زنده بخشایند و بدستی که

أَنْزَلْنَا لَكُمْ آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَمَثَلًا

فرستادیم متوی شما نشانیها پیدا و داستان

مَنْ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً

از آنان که پیش از شما بودند و نیکو

لِلْمُتَّقِينَ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

مربوبان را خدا عزوجل روشن کند آسمانهاست و زمین

مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكُوَةٍ فِيهَا مَصْبُوحٌ

داستان نور او چون روزی است در آن جزایغ

الْمَصْبُوحِ فِي زَجَاغِهِ الرَّحَاغَةُ

وان جزایغ در سبیشه وان ابکیته

كَأَمْهَا لَوْ كَتَبَ رَبِّي بِوَالِدَتِ

چنانستی که ان ستاره روشن است آفرود از

شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ رَيْبُورِيَةٍ لَأَشْرَقِيَةٍ

درختی بابرکت درخت زیت نه شرقی

وَأَغْرِبِيَةٍ يَكَاكُ تَبْتَاهَا يَضِي

و نه غربی خواست روغن ان روشن کند

وَأَوْلَمِ تَمَسَّنَهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ ط

و اگر چه نه سرد او را آتشی روشنایی بر روشنایی

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ

راه نماید خدایه بر روشنایی هر که خواهد و بدید کند

الم

الل

اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ

خدایه . داستانها مرمر دوتا و خدایه همه

شَيْءٍ عَلَيْهِ فِي تَبْوَاتٍ أَرَى اللَّهُ

چیز داناست در خانهای که دستوری داد خدایه

أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ

که بردارند انرا و یاد کنند در روز خانها نام او

يَسْبَحُ لَهُ فِيهَا الْعَبْدُ وَالْأَصَابُ

تسبیح گوید مراد از آنرا بندگان و سیاهان

رِجَالٌ لَا تَلْعَبُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ

مردانی مسخوزندشان از کس و نه خرید و نه فروش از

ذَكَرَ اللَّهُ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى

یاد کرد خدایه و بیاید داشتن نماز و داد

الزَّكَاةَ تَتِمَّ فَوْزٌ يَوْمَ مَا تَنْقَلَبُ فِيهِ

زکوة مال می ترسد روزی که برگردد

الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ لِيَجْزِيَهُمْ

دلها و چشمها تا یاداش دهدشان

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَرْبِيَهُمْ

خداي نيكوتر لخي كردند و بيفرايد

مَنْ فَضِلَهُ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ

از افزوي خود و خداي روزي دهد هر كس را

يَشَاءُ بِعَجْرِ حَسَابٍ وَاللَّيْلِ

خواهد بي حساب انانك

كَقَدْرِ أَعْمَالِهِمْ كَسَابٍ يُقِيمُهُ

نكرو بزند كردارها و ايشان چون كوراب بزمين هموار

تَحْسِبُهُ الظَّمَانُ مَا رَحَىٰ إِلَىٰ جَاهِهِ

بندازد اول تشنه آب تا چون بيايد اول

مَنْ يَخْبِكْ شَيْئًا وَوَجَدَنَا لِلَّهِ عِنْدَهُ

نم بيايد اول چيزي و بيايد خداي اول نرديك او

فَوَقَّله

ب
فَوْقَهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَبِيحُ الْمَنَانِ

بن تمام کند اول شمار او و خدای زود شمارند

أَوْ كَظَاهِمَاتٍ فِي تَخْرِجِي بَعْشِيَّةٍ

یا چون تاریکها در در پایی زرق که ببوشند

مَوْجٌ مِّنْ مَّوْجٍ مِّنْ فَوْقِهِ

نهد آب از زبر او نه آب از بر او

سَحَابٌ ظَاهِمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ

ابری تاریکها بهر آن زبر

بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَدَهَا

بهره چون بیرون دست خود می خواست بیدند اندر

وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ

وهر که نه کند خدای عزوجل مراد او روشنایی مراد او

مِنْ نُورٍ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ

ع

هیچ روشنایی انبیا که خدای عزوجل بیای یاد میکنند محمد

لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

مراودا هر که در آسمانهاست وز زمین

وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كَلَّكَ عَلَيْهِم

و برندگان صفاورده هر یکی بدستی بدانند

صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلَيْهِم

نماز او و تسبیح او و مر خدا بر اوست بادشاهی

بِمَا يَفْعَلُونَ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ

بدلج میکنند و مر خدا بر اوست بادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ الْمُصِيبُ الْمُنِيرُ

وزمین و سهوی خدای بازگشت انرا بیننده

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ

که خدای می راند باهر بری بس فراهم آرد

بَيْنَهُ ثُمَّ يُجْعَلُهُ رِجَامًا فَتَرَى

میان او بس بکند اول تو بر تو بس به بینی تو

الْوَدْقِ تَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزِلُ

باران بزرگ قطره بیرون آرد از میان او و فرستد

مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ

از آسمان از کوهها درند از

بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ

زاله بس برساند آنرا هر که خواهد و بگرداند آنرا از

مَنْ يَشَاءُ يَكْسِرُ سَنَا بَرْدِهِ يَذْهَبُ

هر که خواهد خرد و خواست رو سنا بی رخسار او ببرد

بِالْأَبْصَارِ يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

رو سنا بی چشمها بگرداند خدای شب و روز

أَنْ فِي ذَلِكَ لَعِبْدَةٍ لَأُولَى الْأَبْصَارِ

بلکه سستی در این هاینه بیک است هر خدای و ندانز بینا بجا و را

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ

و خدای از بندگی هر چیزه از آب

فَمَنْ مَشَى عَلَيَّ بِطَنِهِ وَمَنْ

بعضی از ایشان آنک می رود بر شکم خود و از ایشان

مَنْ مَشَى عَلَيَّ رَجُلِينَ وَمَنْ مَشَى

آنک می شود بر رویای و از ایشان آنک

مَشَى عَلَيَّ أَرْبَعٌ تَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

بی رود بر چهار بیافرید و خدای آنچه خواهد

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

که خدای بر هر چیزی تواناست

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ

بدستی که فرستادیم نشانهها بیدار کرده شد و خدای

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

راهنماید هرکس خواهد سوی راه

مُسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ

راست و میگویند بگوئیم ما بخدای

و با رسول

وَالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ تَوَكَّلْ

و به بیغامیر و فرمان برداریم ما بس بر کردید

ثلث

فَرِيقٍ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا

گروهی از ایشان از پس آن و هستند

أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا دُعُوا إِلَى

ایشان گروهی که خوانند ایشانرا

اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُخْرِجَهُمْ إِذَا

خدای و بیغامیر او تا حکم کند میان ایشانرا چون

فَرِيقٍ مِّنْهُمْ مُّعْرَضُونَ وَإِن

گروهی از ایشان روی گردانند باشند و اگر

يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعَبِينَ

باشد مراستند راستی بیایند سوخته کردن تهدیدات

إِنِّي قُلُوبُهُمْ مَّرْضَاءُ أَتَايُوا

اودر دلها را ایشان بیماری گرفتار یا بشک باشند



أَمْ تَخَافُونَ أَنْ يَخِيفَ اللَّهُ

میایی ترسند که ستم کند خدایه

عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بِأَوْلِيَّكَ هُمْ

برایشان و پیغامبر او بدگ اینسانند ایشان

الظَّالِمُونَ إِنَّمَا كُنْتُمْ

ستمگاران بد استقامت هستید کفینار

الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ

گروندگان حجت خوانده شوند سوی خدایه

وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ

و پیغامبر او تا حکم کند میان ایشان که

يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ

بگویند بشنیدیم و فرمان بردیم و ایشانند

هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ

ایشان استگاران و هر که فرمان برد خدایه

ع

در

وَرَسُولَهُ وَخَشِيَ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ

و بیغما بر او را و بترسد از خدای و بپرهیزد از

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ



بسیار آیینانند ایستاد مرتزکارات

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ

و سوگند خوردند بخدای سزای سوگندناز خود

لِيَكُنْ أَمْرُهُمْ لِيُخْرِجَنَّهُمْ لَوْ كَانُوا

اگر بفرمان شان هر آینه بیرون شوند بگو

تَقِيْمُوهُ طَاعَةً مَّخْرُوفَةً

سوگند محضوری فرمان برداری بگو هر آینه

اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا تَشْرِكُونَ

خدای آگاه ببلخ میکند بگو ای محمد

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

فرمان برید خدای و فرمان کنید بیغما بر او

فَات تَهْلُوا فَاثَمَا عَلَيْهِ مَا حَمَل

بس اگر برگردد بس بدستنی بروست لبح برداشتن

وَعَلَيْكُمْ مَّا حَمَلْتُمْ ط وَأَنْ تَطْبِخُوهُ

و بر شماست بر شما نمند و اگر فرمان برید

تَهْتَدُوا ط وَمَا عَلِي السُّؤْلِ

راه راست یابید و نیست بر بیغایم الذین

إِلَّا الْبِلَاحُ الطَّيِّبُ وَعَدَّ اللَّهُ

مگر رسالتش بید و عدله کرد خدای

أَمْثُوا ط وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

یکو بیدند و بگردند بکنیکها

لَيْسْتَ خَلِيفَتُهُ فِي الْأَرْضِ ط كَمَا اسْتَمَرَّ

بدستی که خلیفه کند ایسایرا در زمین جنانک خلیفه کرد

الذِّنِّ مَنْ قَبْلِهِمْ ط وَلِيْمَاتِ لَهُمْ

انانک بیشتر از ایشان و هرینه جای دهل

دینهم

آتش

يَتَّبِعُوا الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلْيَسِّرْ لَهُمْ

دین ایشان آنک بسندید مرایشانرا و هرآنچه برکند
شان

مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمَّا يَعْبُدُونِي

از پس تو بر ایشان ایمتی می پرستند

لَا يَشْرِكُ لِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ

که اینان نیارند بمن چیزی و هر که کافر شد

بَعْدَ ذَلِكَ فَاُولَئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ

پس این بسایشانند ایشان تباہ کاران

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ

و بیای دارید نماز و بدهید زکوة مال

وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و فرمان برید بیغامبریک تا مگر بخشند شما

فَاُولَئِكَ سَيَرْحَمُ اللّٰهُ اُولَئِكَ كَانُوا لَمَّعِينَ

کسان میروینند از انانرا که نکریدند عاجز نبودند

۱۴۲
فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ

در زمین و جای ایشانست آتش و هرگز نیست

الْمُصِيبُ بِمَا آتَاكُمُ اللَّهُ أَمَنُوا

بازگشت جای ای آنکسان ایمان او را ابد

لَيْسَ أَرْبَابِكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ

دستوری خواهد از شما آنانند بخزیده است

أَيْمَانُكُمْ وَاللَّيْلِ مَا يَهْجُوا الْحَمْلَ

دستهای شما و امثالند نه رسنده نخواستند

مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ

یعنی بالغ
تسلسل باشند

قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ

پیش نماز بامداد و هنگام بنهید

أَيْمَانَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ

جانبها خود از نماز پشیمین یعنی

میان روز بود

بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ^ط ثَلَاثَ

بس نماز خفتن سه

عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ

شرم است مر شما نیست بر شما و بر ایشان

جَنَاحٌ بَعْدَهُ ^ط طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ

بند بس این طواف کنند بر شما

بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ

همه شما بر همه همچنین

يَسِّرُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ ^ط

بیدار کند خدای مر شما نشانیها

وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ^ن وَإِذَا بَلَغَ

خدای داناست حکم کنند و راستوار و چون برسند

إِلَى أَطْفَالٍ مِنْكُمْ الْحِمْلُ فَلْيَسْتَأْذِنُوا

از شما حواص یعنی محترم بر کودکان

كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْهُنَّ

جناح دستوری خواستند امانت از

قَبْلَهُمْ كَذَلِكَ يَتَّبِعُ اللَّهُ لَكُمْ

بشرایشان همجنین بیدار کند خدای مهربان

آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَالِمٌ حَكِيمٌ

نشانیها خود و خدای داناست حکم کننده

وَالْفَوَاقِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي

وزنان از دست شده اند زنان که از زنان

لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ

امید ندارند نکاح لا پس نیست

عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ

برایشان بزنند که بکنند

نِيَاهَهُنَّ غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِذُنُوبِ

وَأَنْ يَسْتَغْفِرَ خَيْرٌ لَّهُمْ ^ط

واگر باک دامن کنند بهتر ^{مرايشانرا}

وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ^و لَيْسَ عَلَيْهِ

وخلای سنیواست دانای نیست بر

الْأَعْمَى بِالْحَنَافِ وَالْأَعْمَى

نابینا بده و نه بر آنرا

حَنَافٍ ^و وَالْأَعْمَى الْمُرْتَضَى ^و

بده و نه بر بیزار بده

وَالْأَعْمَى أَنْفُسَكُمْ أَنْ تَكُلُوا

و نه بر تنهائ شما که بخورید

مِنْ بَيْوتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ آبَائِكُمْ ^ط

از خانهای خود یا خانهای پدران خود

أَوْ بَيْوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ

یا خانهای مادران خود و مادران

اِخْوَانِكُمْ اَوْ يَتِيْمَاتِكُمْ

برادران خویش یا خانهای خواهران خویش

اَوْ يَتِيْمَاتِكُمْ اَعْمَامِكُمْ اَوْ يَتِيْمَاتِكُمْ

یا خانهای برادران بدخون یا خانهای

اَعْمَامِكُمْ اَوْ يَتِيْمَاتِكُمْ اِخْوَالِكُمْ

خواهران بادر خویش یا خانهای برادران مادر خویش

اَوْ يَتِيْمَاتِكُمْ خَالَاتِكُمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ

یا خانهای خواهران ماری یا لُحی مَلَکَتْ یَدَیْکُمْ

مَفَاتِحُ اَوْ صِدْقِكُمْ لَيْسَ

خزینها یا دوست بیعت

عَلَيْكُمْ جَنَاحٌ اَنْ تَلْکُوْا جَمِيْعًا

بر شما بدم که بخورید همه

اَوْ اَشْتَاتًا فَاِذَا دَخَلْتُمْ بِلْدَانَ سَامُوْا

یا پرکنده

بِسْمِ جَوْنِ دَرُوْدِ دَرِخَانِهَا بِسْمِ

یا پرکنده یا پرکنده

عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ خَيْرٌ مِّنْ عِنْدِ
بر بنهار خون یعنی بر اهل درودی از ترک

اللَّهِ مَبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ
خدای یا برکت پاکیزه همچنان

بَيِّنَاتٍ لِّلَّذِينَ
بیان کند خدای مرشدا نشانیها

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّمَا آمَنَ مَن
تا باشد که شما پی افئید بدستی که گوید که

الذِّنَّ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
آنان بگویند خدای و پیغامبر او

وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ
دجون باشند با او بر کاری

جَامِعٍ مُّبْتَدِعُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا
راهم آیند که نرفتند تا دستوری ندهند

ع

إِنَّ الدِّينَ يَتَأْتِي نَفْسَكَ **لَهُ**

که آنکسانکه دسوری کنند تا

أُولَئِكَ الدِّينَ يَوْمُنُورٍ **بِاللَّهِ** وَرَسُولِهِ **لَهُ**

ایشانند آنکسانکه بگویند بحکای و بیخامبر او

فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ

بسر چون دستوری خواهد مرستی کار ایشان

فَازِنَ لَمْ يَشَيْءٌ مِنْهُمْ **وَاسْتَعْفِزْ لَهُمْ**

بسر دستوری که مرستی که خواهی از ایشان و امرش خواه

اللَّهُ آيَاتِ **اللَّهِ** عَفْوَ تَحِيْمٍ

از خدای که خدای امرزنده بخسایند

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ **الْحَمْدِ**

مگر ایند خواندت بیخامبران میان شما محبت خواند

بَعْضِكُمْ بَعْضًا **قَدْ يَعْلَمُ** **اللَّهُ** الدِّينَ

هر از شما هر یک را بدستی بدان خدای آنانکه

تَذَكَّرَ وَمَا تَكُنُونَ قُلِّ اللَّهُمَّ

اشکارا کنند و لایق بنهان کنید یکوی محمد مرکز ایلکانرا

يَغْضُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَتَخَفُّوا

فرو کنید از جسمها و ایشان و نکاه دارند

وَوَجْهَهُمْ رَأَى أَنْ كَلَّمَ اللَّهُ

عورتها و خورد این با کبزه میانشانرا که خدا

حِينَ مَا يَضْرِبُونَ قُلِّ اللَّهُمَّ

اکاهست بلایج میبندند و یکوی محمد مردان کربلا

يَغْضَضُونَ مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَتَخَفُّوا

فرو خورایند از جسمها خون و نکاه دارند

وَوَجْهَهُمْ رَأَى أَنْ كَلَّمَ اللَّهُ

عورتها و خورد و اشکارا کنند ارایش خود مگر لایق

ظَاهِرٌ مِنْهَا وَيَضْرِبُونَ قُلِّ اللَّهُمَّ

میدان ازان و کوزند سر و جسمها و خویش

عَلِيٍّ جَوْنَهُنَّ وَلَا يَدِيَّتْ زَيْنَتَهُنَّ

بر گریبانها خویش و بدید نکلند ارایش خویش

الَّا لِبَعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ

مگر موشوهران خویش یا بدلان خویش یا بدلان

بَعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ

شوهران خویش یا بران یا بران خود یا فرزندان خواهان خون

أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي

یا زنان ایشان بران یا بران خون یا فرزندان

إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ

خواهران خون یا زنان ایشان یا لخب بخند

أَيْمَانِهِنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلِي

دستها و ایشان یا بر روی کنندگان جز خداوندان

لِلْأَقْرَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ وَالْأَطْفَالِ

افزونی از مردان یا کودکان

البری

الذَّيْنِ مَلَّ بِظَهْرِنَا عَلَيَّ عَوْرَاتِ

انامل بپا نگرند بر عورتها

الْبِشَارِ وَلَا يَضْرِبُ بِأَرْجُلَيْهِ

زنان و نزنند بپاها

لِيُعْلَمَ مَا نَخِفْتِ مِنْ رَبِّنَا

تا دانسته شود آنچه بپنهان کنده از اربابش خون

وَتَوَلَّوْا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ

و توبه کنید همگی به سوی خداوند همه ای کسانی که ایمان آورده اید

لَعَلَّكُمْ تَفْجَحُونَ وَأَنْتُمْ إِلَى اللَّهِ

تا مگر شما برزنگار شوید و تسویان دهید به سوی خداوند تا مگر شما

مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ

از شما و نیکان از بندگان خون

وَأَمَّا بَكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَدًا يُغْنِمُوا

و برستاران خون اگر باشند درویشان تو آنرا نگیرند

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ

خدای از فضل خود و خدای فراخ و عظیم است

عَلَيْهِمْ وَلَا يَشْتَغِفُ الَّذِينَ لَا يَدْرُونَ

دانا و گویاکی و یار سایی کنند آنکسانکی نمی یابند و نتوانند

ذَكَاءَ حَاجَةٍ يَخْتِئُهَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

ذکاوت کردن تا نمی بیند آنکسان خدای از فضل خود

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ مِنْ مَا

و آنانکی می جویند کتاب از آنچه

مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُهُمْ إِنَّ

مخربند دستمها شما پس نویسندشان را

عِلْمَهُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَنْتُمْ مِنْ مَالِ

بدانید در ایشان نیکی و بدهید از مال

اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ طُورًا وَلَا تَنْكُرُوهَا

خدای آنکه داد شمارا و نه دشوار کنید

نزد

هَذَا يَوْمَ الْبَعْتِ وَلكِنَّكُمْ

بسران روز بر آن بختن و جز آنک شما

كُنْتُمْ لِاتِّعَامِهِمْ فَيَوْمَئِذٍ

بود ایشان نه دانستید بسران روز

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعَدَدَ

نه سورد را که آنان را که ستم کردند بهمان نشان

تِهِمْ وَكَهَمَّ يَسْتَعْتَبُونَ وَلَقَدْ

و نه ایشان باز کرد اینک شوند و راستی

خَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا

بیا کردیم مردمان را در این

الْقَدَاتِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

قران از هر داستان

وَلَقَدْ جِئْتُم بِآيَةٍ يُقُولُونَ

و اگر بیاوریم بیاوردی شان ای نبی هر این بگو پسند

شاید

فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ

اندک بازارها جز آنکه فرستاده موی فریستد

فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرٌ أَوْ يُلْقِي إِلَيْهِ

بسی باشد یا او بیم کننده یا افکنده شود ^{شک او} سوزی او

كَذُّ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ

کنجی یا باشد مراد بوستانه که بخورد

مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا

ازان و گفتند ستمکاران بس

تَبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا أَنْظِرْ

رویت نمی کنند مگر مردی جاودگرا را به بیغیبتی محمل

كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ

چگونه بید کردند برای تو مانندها

فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

ع

بسرگشته شدند - هر نتوانند رفتند راهی
و بی راه افتادند

بِتَارِكِ الَّذِي أَنْشَأَ جَعَلَ لَكَ

بزرگ است از خدا بجه که او خواهد بکند برای ترا

خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَاتٍ تَجْرِي

بمتر از این بوستانها که بی روز

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَتَجْعَلُ لَكَ

از زیرات جوها و بکند مرتب

قُصُورًا مَكْدُومًا بِالسَّاعَةِ وَأَعْنُدُ

کوسکها بدک دروغ زن بقیامت و ساختن ایم

لِمَنْ كَذَبَ بِالسَّاعَةِ سَحِيبًا إِذَا

مهر که دروغ زن بقیامت ات دروغ جوید داشتند

رَأَتْهُ مِنْ مَّكَانٍ لَعْنَةٍ سَمِعُوا لَهَا

به بینند ترا از جایگاهی دور شنوند مران

تَغِيظًا وَزَفِيرًا وَإِذَا الْقَوَا

او از زیرت و ناله کردی و جوت بیفکنند ایشانرا

سرها

مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مَقْرَّبَيْنَ لَعُوا

از آن جایگاهی تنگ بیوستگان بخوانند

هَذَا لِكُفْرِكَ شُورًا لَاتَدْعُوا الْيَوْمَ

انجا هلاکی بخوانند لذروز

بِشُورٍ وَاحِدًا وَادْعُوا شُورًا كَثِيرًا

هلاکی کسی را و بخوانند هلاکی بسیار

قُلْ أَذْكَرٌ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ

بگو ای محمد این بهتر یا بهشت جاودانه

الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَأَنَّ لَهُمُ


آنکه وعده کردند مریهیز کارات بود مرایشانرا

جَزَاءً وَمَصِيرًا لَهُمْ فِيهَا مَا

پاداش و جای بازگشت مرایشانراست در آنجا

يَشَاوُنَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ

خواهند جاودانه هست بر خداوند تو

وَعَدًا مَسْئُولًا  وَيَوْمَ تَحْشُرُهُمْ

وعدله بر سبک شکره وان روز گرد کنیم ایشانرا

وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

ولنج بی برستند از جند خدایه

فَيَقُولُ يَا أَنْتُمْ أَضَلُّتُمْ عِبَادِي

بسی بگوید ای شما بی راه گردید بندگان مرا

هَؤُلَاءِ أَمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ قَالُوا

این یا ایشان بی راه شدند از راه راست گویند

سُبْحَانَكَ مَا كَانَتْ يَبْغِي لَنَا أَنْ

باجی تولی خداوند بود و نشاید ما را که

تَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ

بگیریم از جز تو از دوستان ولیکن

مَنْعَتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسْأَلَكَ

بر خورداریم و ندانان ایشانرا تا فراموش فرات گردانند و کانون

وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا فَقَدْ

و بودند کرمی ملائکه بس بدستی

كَذِبُوكُمْ بِمَا يَقُولُونَ فَمَا

دروغ زن داشتند شمار بدلیج میگویند بس میمانند

تَسْتَطِيعُونَ صَرَافًا وَلَا نَصْرًا

توانند زرانیك و نه یاری داری

وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ تِلْقَةَ عَذَابٍ

دهر که ستم کند از شما بخسایم اوله عقوبتی

كَبِيرًا وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

بزرگ و نه فرستادیم پیش از تو

مِثَّ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنَّهُمْ لِيَأْكُلُوا

از پیغامبروات مگر که ایشان بی خوردند

الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ

خورش و می رفتند در بازارها

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً

وَبَدَّلْنَا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

أَنْصِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ

صَبُورًا حَلِيمًا

بَصِيرًا

بِئْرًا

[Faint bleed-through text from the reverse side of the page]

و هو
کرد این حرف کلام محمد و روان محمد سووی فعال لما یدید
با اینست حرفا که برده امده و از محمد و در کار اضعف چهار دند
مدت ازین بر محمد کرم اده نصر اده المحاط من الحضرة العاقله مقصود الملک
مقصود الملک مقصود ملک دیوان ملک و زار بر لام علیا حصص نهار با بار
و مدت ازین عبدالغنی کرم دند در اده المحاط مقصود الملک مقصود ملک
طول دند در حد حلقا صلیک تا کاذا اهل السلام بخوار اده
را بدعبار ایمان در حدی و در حدی و در حدی و قوی صحیح شرعی
تا هج کشتی بیج تا و ملی لریا و بد شرعی مدد خود نسا زن
و نداد و در هر ننگد و نه بخار و نه فرو نسا و بد ننگد و نه
لریا لریا و تجا و زنگد خصیم او صاحب کلام ملک العلام
با نثار حکم قول لولا فمدره بعدا سمعه فانما ائمه علیهم
الذین بدلونه لریا و سمع علیهم لریا و می یا و در حق
قوت سوره مولانا و موهوبه و در قتل و سوره را خبر ننگد
تا نوسانده تمام کرد اندک لریا و در نهم المبارک رضوان
در میان و در حدی

65

